

کودتای دست نشاندهگان امپریالیسم در پاکستان!

تواند به عنوان مدلی از سوی طرفداران زبان بریدن و گلو دراندن در محافل حاکمه رژیم ولایت فقیه، مورد توجه واقع شود، با نگرانی از سوی نیروهای ترقی خواه ایرانی تعقیب می شود.

اکنون کاملاً مشخص است که، کودتا از یک ماه قبل از وقوع آن طرح ریزی شده بود، و فرماندهان عالی نظامی پاکستان برنامه دقیقی برای تصاحب قدرت از قبیل تقسیم کار برای کنترل مراکز حساس سیاسی اقتصادی و نظامی کشور را از قبل تدارک دیده بودند. این چهارمین بار در تاریخ نیم قرن حیات پاکستان است که نظامیان با نقض قانون اساسی این کشور حکومت سر نیزه را بر مردم پاکستان حاکم می کنند. ژنرال پرویز مشرف، رئیس ستاد ارتش

ادامه در صفحه ۸

کودتای نظامی در پاکستان، در شامگاه ۲۰ مهر ماه، آغازگر مرحله جدیدی در تحرک نیروهای وابسته به امپریالیسم، و تقویت مواضع نیروهای راست گرا و ضددموکراتیک در جنوب آسیاست. بررغم اظهارات اولیه سیاستمداران برخی کشورهای امپریالیستی در نکوهش کودتا، حقیقت این است که، بر طبق شواهد موجود، رهبران کودتاچی در اسلام آباد قبل از هرگونه حرکتی قصد خود را با عالی ترین محافل حاکمه در ایالات متحده در میان گذارده بودند و مستقیم و غیر مستقیم از عدم مخالفت جدی واشنگتن با طرح خود مطلع بودند. به قدرت رسیدن دوباره نظامیان در پاکستان، با توجه به مناسبات ویژه این کشور و ایالات متحده، و خصوصاً این حقیقت که، این کشور مرکز فرماندهی نیروهای واکنش سریع ایالات متحده بوده است، نگرانی های وسیعی را در منطقه برانگیخته است. تحولات اخیر پاکستان از آنجا که کودتای نظامیان برضد دولت پاکستان می

نامه
مردم
ارکان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۵۶۹، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۴ آبان ۱۳۷۸

بحثی پیرامون ستم رژیم «ولایت فقیه» بر زنان میهن

محمد خاتمی، رئیس جمهوری اسلامی ایران، روز یکشنبه ۱۱ مهرماه، در دیدار با جمعی از بانوان شاغل، در مورد زنان و مشکلات آنها، سخنانی ایراد کرد که جای تامل و کنکاش بسیار دارد. محمد خاتمی گفت: «جامعه ما به خاطر فراهم نکردن شرایط برای حضور زنان و بروز استعدادهای آنها تاکنون ضررهای بسیاری پرداخته است.» وی در ادامه سخنان خود افزود: «رشد، یک فرایند اجتماعی است و در حالی که در طول تاریخ زمینه های فکری، علمی و امکانات لازم برای زنان کمتر فراهم شده است، ادعا می شود که زنان توانایی کمتری نسبت به مردان دارند.» آقای خاتمی همچنین نتیجه گرفت: «اگر در طول تاریخ، امکانات برای زنان وجود داشت اکنون نام آنان نیز در فهرست متفکران، عالمان و اندیشمندان قرار می گرفت.»

وی با اشاره به سابقه محرومیت دختران و زنان ایرانی در امر تحصیل و سواد آموزی از نگاه

در صفحه ۳

دادگاه تفتیش عقاید برای عبدالله نوری در ص ۲

خطر «راست روی» و «چپ روی»، و وظایف نیروهای مترقی و آزادی خواه در اوضاع حساس کنونی

در راه تحقق آنچنان تحولاتی است که جامعه را از بحران عمیق کنونی خارج ساخته و برای آینده ای آزاد، مستقل و دموکراتیک راه گشایی نماید. امروز در جامعه ما نظرات و اظهار نظرهای گوناگونی پیرامون چگونگی برخورد با تحولات وجود دارد که هر کدام به نوبه خود قابل بررسی منتقدانه و موشکافانه است و هدف ما از این بحث برخورد با جزئیات نظری این طیف رنگارنگ نیست. از جمله کلیدی ترین بحث هایی که در اوضاع کنونی پاسخ و موضع گیری در قبال آنها اهمیت دارد، ارزیابی و تعیین سیاست در قبال رویدادهای پس از دوم خرداد ۷۶ و نشان دادن راه برای آینده تحولات به نفع اکثریت عظیم مردم محروم و ستم دیده میهن ماست. پیش از حرکت دوم خرداد ۷۶، که حزب ما بدرستی آن را یک همه پرسی تاریخی ارزیابی کرد، رژیم «ولایت فقیه»، و اگر خواسته باشیم دقیق تر بگوییم، ائتلاف طرفداران «ذوب در ولایت»، طرفداران خامنه ای، هیأت های مؤتلفه، جامعه روحانیت مبارز، جامعه مدرسین حوزه های علمیه، انصار حزب الله و غیره در کنار گروه رفسنجانی، بوروکرات های رشد یافته در دستگاه عمیقاً فاسد دولتی رژیم، به شکل نسبتاً هماهنگی عمل می کردند و یک سیاست واحد را در قبال تحولات کشور اجراء می کردند. جهت عمده این سیاست در عرصه های گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی اساساً بر ضد منافع مردمی و ملی میهن ما بود و از این رو مبارزه همه جانبه با این سیاست ها در دستور کار

تحولات میهن با شتاب فزاینده ای در حال شکل گیری است و با خود بغرنجی های بسیاری را در عرصه تعیین سیاست ها و تاکتیک های مبارزاتی به همراه دارد. اتخاذ سیاست درست و منعطف که در عین حفظ اصولیت بازتاب خواست های انبوه توده های ستم دیده میهن باشد در مقابل جیره شدن تمایلات و خواست های گروهی - فرقه ای و برداشت های ذهنی این یا آن گروه و یا سازمان سیاسی یکی از مهم ترین معضلات پیش روی نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن ما در اوضاع بسیار حساس کنونی است. میهن ما از یک سو درگیر مبارزه ای سرنوشت ساز برای تحقق اصلاحات و گشودن راه به سمت تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار است و از سوی دیگر در زنجیرهای رژیم قرون وسطایی و ضد مردمی که هیچ هدف و خواستی جز حفظ پایه های حکومت به هر قیمت ندارد، اسیر است. با وجود انقلاب عظیم توده های میلیونی مردم در بهمن ۱۳۵۷، و نیروهای عظیم اجتماعی که برای تحقق آرمان های آن، یعنی استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی، بسیج شده بود، امروز با گذشت بیش از بیست سال از انقلاب مردم ما نه تنها نتوانسته اند به این خواست ها دست یابند بلکه با معضلات عظیم اجتماعی - اقتصادی روبه رو هستند که بیش از نیمی از جمعیت جامعه را در فقر و محرومیت دهشتناک فرو برده است و شرایط فاجعه باری را به میهن ما تحمیل کرده است.

در چنین اوضاعی بدیهی است که مهم ترین مسأله در برابر نیروهای مترقی و آزادی خواه پیکار

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه کودتای دست نشانندگان ...

ژنرال مشرف، در اولین ملاقات رسمی خود با نمایندگان دیپلماتیک خارجی، گفتگوی ۴۰ دقیقه ای با سفیر ژاپن در پاکستان داشت. یک منبع دیپلماتیک از قول سفیر ژاپن گفت: «رهبر نظامی گفت که، تحریم بین المللی که پس از اینکه دولت پیشین در ۲۸ ماه مه گذشته به آزمایش هسته ای مبادرت کرد، اعمال شده بود، مشکلات عدیده سیاسی و اقتصادی ایجاد کرده است. او گفت که ژاپن خواستار تحریم پاکستان نیست. کوبوتا سفیر ژاپن افزود: «مشرف گفت که او واقعا خواستار همکاری ژاپن برای غلبه بر بحران اقتصادی است.» در روز ۲۴ مهر ماه، آسوشیتد پرس از قول یک منبع رسمی وزارت دفاع آمریکا گفت: «رهبران پنتاگون از قدرت گیری نظامیان در پاکستان هراسان نیستند. آنها در رابطه با ژنرال مشرف، او را طرفدار غرب و قادر به کنترل سلاح های اتمی کشور می دانند و هیچ دلیل مشخصی برای نگرانی در مورد کنترل تسلیحات اتمی وجود ندارد.» آسوشیتد پرس، از قول سخنگوی پنتاگون، کن بیکن، نقل قول کرد: «از آنچه که ما در مورد مشرف و دولت او می دانیم، در بنیانی ترین جنبه ها، ما انتظار داریم که آنها نگرانیان با دقتی برای تسلیحاتشان باشند.» سخنگوی پنتاگون، در پاسخ به سئوالی در مورد کنترل تسلیحات اتمی پاکستان، تاکید کرد: «این رهبران کنترل چنین تسلیحاتی را برای مدت طولانی داشته اند و ایالات متحده هیچ نگرانی ندارد.»

نظر واقعی امپریالیسم و ارتجاع را همچنین می توان از موضع گیری صریح عربستان سعودی در روز ۲۵ مهر ماه، در حمایت از رهبران کودتا، مستفاد کرد. وزیر دفاع عربستان، شاهزاده سلطان بن عبدالعزیز گفت: «عربستان سعودی همیشه طرفدار قوانین بین المللی، قانون و نظم می باشد و به این دلیل است که ما امید به آرامش و ثبات برای ملت برادر پاکستان داریم... ما اطمینان وافر به نیروهای مسلح پاکستان و ظرفیت، قابلیت آنها برای حفاظت و خدمت به اسلام و همه پاکستانی ها داریم.»

با در نظر گرفتن ماهیت ارگان های امپریالیستی، این تعجب آور نبود که صندوق بین المللی پول، در روز ۲۳ مهرماه، تصریح کرد که، برنامه های آن در پاکستان به حالت تعلیق در نخواهد آمد. سخنگوی صندوق بین المللی پول گفت: «ما هیچ گونه بیانیه ای را در ۴۸ ساعت گذشته صادر نکرده ایم و اظهارات ما از طریق مدیریت اجرایی و مقامات عالی رتبه رسمی هیچگونه تعلیقی را اعلام نکرد.» او برای تصریح اینکه صندوق بین المللی پول در رابطه با همکاری و حمایت از دیکتاتوری های نظامی و راستگرا هیچ گونه مشکلی ندارد، تاکید کرد که، صندوق بین المللی پول تحت هیچ انگیزه سیاسی قرار ندارد و تصمیم های آن بر پایه سیاست های اقتصادی و شاخص های اقتصادی یک کشور و وضعیت اقتصادی آن گرفته می شود.

و درست در مقابل با این مواضع امپریالیستی و ضد مردمی است که نیروهای ترقی خواه در جهان صریحا بر ضد کودتا چپان اعلام موضع کرده اند. حزب توده ایران، کودتای نظامی در کشور همسایه را برضد منافع مردم پاکستان و منطقه، و بخشی از یک طرح همه جانبه امپریالیستی، برای تحکیم کنترل خود بر جنوب غربی آسیا و بویژه در رابطه با تحولات میهن مان می داند. ما خواستار اعاده فوری دموکراسی در پاکستان و مجازات عاملان کودتا و خاتمه دادن به مداخله نظامیان در امور سیاسی پاکستانیم.

زمینه های محاکمه عبدالله نوری، از جمله اعلام کرد: «شخص آقای نوری هدف نیست بلکه جبهه دوم خرداد و شخص رئیس جمهوری و آزادی های سیاسی و توسعه فرهنگی هدف است.» اعلامیه در جایی دیگر این سئوال را طرح می کند: «جناح محافظه کار با ابزاری کردن دادگاه ویژه چه هدفی را دنبال می کند که می خواهد یکی از بهترین سربازان انقلاب را مورد تهمت و افترا و محاکمه قرار دهد. آیا درج نام آیت الله منتظری به عنوان مرجع تقلید شیعه که امام او را به عنوان گرمی بخش حوزه ها یاد کردند در روزنامه جرم است؟ اگر جرم است بر اساس کدام قانون و دستور اعلام شده ای بوده است... آیا این حرکات یادآور روحانیون قرون وسطی نیست؟»

«دانشجویان مسلمان با ادامه روند فعلی به اپوزیسیون تبدیل خواهند شد»

بر اساس گزارش روزنامه صبح آزادگان، دوشنبه ۳ آبان ماه، انجمن اسلامی دانشجویان «دا تشکده علوم پزشکی شهید بهشتی» در روز شنبه، اول آبان ماه، جلسه ای برای نقد و بررسی مشکلات دانشجویان، در این دانشگاه برگزار کرد. بر اساس گزارش انجمن اسلامی از این نشست دانشجویان ضمن اشاره به برخوردهای خصمانه مسئولان آموزشی، متذکر می شوند که: «به اعتقاد ما در صورت اجرای چنین برنامه هایی، منافع نظام و انقلاب در دراز مدت در دانشگاه ها مورد تهدید قرار خواهد گرفت و زمانی فرا خواهد رسید که هرچه مسئولان نظام حرف بزنند و پیام دهند دیگر کسی در دانشگاه ها حرف آنها را گوش نخواهد کرد. اگر این روند به وقوع بپیوندد در آینده نه خبری از ارزش های عالی انسانی در دانشگاه ها نخواهد بود و دانشجویان مسلمان به اپوزیسیون تبدیل خواهند شد... اگر دانشگاه ها روزی بخواهند برای نظام مشکل آفرینی کنند خطر عظیمی نظام را تهدید خواهد کرد.»

رنگ عوض کردن نمایندگان مجلس

بر اساس گزارش روزنامه «خرداد»، یکشنبه دوم آبان ماه، علی ربیعی، مشاور اجتماعی رئیس جمهوری و مدیر مسئول روزنامه «کار و کارگر» در ارزیابی انتخابات مجلس ششم از جمله گفت: «اگر فضای کنونی در مجلس ششم حاکم باشد، فقط افرادی که در جبهه دوم خرداد هستند و معتقدان به شعارهای رئیس جمهوری اکثریت مجلس ششم را بدست می آورند. امروز نمایندگان مجلس که دو سال است علیه آقای خاتمی شعار می دادند، در حال رنگ عوض کردن هستند. دانشجویها باید سعی کنند افرادی را که با شعارهای نزدیکتر هستند شناسایی و معرفی کنند.» به گفته این روزنامه ربیعی افزود: «نباید کاری کرد که مردم از انتخابات محروم شوند و مشارکت شان کم شود. حتی اگر شورای مگهبان افرادی را رد صلاحیت کرد باید باقی افراد انگیزه مشارکت را بالا ببرند.»



دادگاه تفتیش عقاید برای عبدالله نوری

روزنامه «صبح امروز»، دوشنبه ۳ آبان ماه، در مصاحبه ای با عبدالله نوری نظرات او را پیرامون برپایی دادگاه ویژه روحانیت جویا شده است که حاوی نکات جالبی است. نوری در این مصاحبه ضمن افشاء علل اصلی این محاکمه که چیزی جز یک دادگاه تفتیش عقاید نیست از جمله می گوید: «در این میان دو مسأله مطرح شد که دادگاه ویژه روحانیت به استناد آنها تصمیم گرفت حرکت خود را آغاز کند. این دو مسأله عبارت بودند از دیدگاه هایی که از سوی آیت الله منتظری منعکس شده بود و نظراتی که گفته می شد از سوی نهضت آزادی طرح شده است. بنابراین دادگاه ویژه روحانیت با احضار من در خصوص درج این دیدگاه ها تذکر می داد. ما نیز به لحاظ عدم ارائه دلیل قانع کننده ای از سوی دادگاه ویژه به کارمان ادامه دادیم. ادعای آنها این بود که انعکاس خبر آیت الله منتظری ترویج سیاسی و تشویش اذهان عمومی بوده است. اما ما گفتیم این مسأله تشویش اذهان عمومی نیست البته ممکن است تشویش اذهان خصوصی باشد احضار من به طور طبیعی بی ارتباط با فعالیت سیاسی من نبود...» نوری در جای دیگری از همین مصاحبه درباره آینده مطبوعات در مقابل یورش ارتجاع می افزاید: «آنها در مجموع حرف های ما را نمی پسندند و به یک روزنامه و دو روزنامه بستگی ندارد. البته شاید چنین حرکتی به نتیجه نرسد چون زمانی فقط یک روزنامه بود اما الان تعداد روزنامه بیشتر شده است. آنها نسبت به برنامه های ارشاد حساسیت دارند و تصمیم جدی برای ارشاد گرفته اند و همواره خواسته اند فردی معتدل تر امور ارشاد را در دست داشته باشد.»

«آیا این حرکات یادآور روحانیون قرون وسطی نیست؟»

به گزارش روزنامه همشهری، دوشنبه ۳ آبان ماه، «مجمع مدرسین و محققین حوزه علمیه قم» با انتشار بیانیه ای محاکمه عبدالله نوری را دور تازه ای از ماجراجویی دانست و در ارزیابی علل و

ادامه بحثی پیرامون ستم رژیم «ولایت فقیه»...

خاص و نادرستی که در طول تاریخ به زنان شده ابراز تاسف کرد و موفقیت چشمگیر دختران در آزمون سراسری دانشگاه ها را نشانه توانمندی آنها خواند. وی حضور بیش از پیش زنان در حوزه های مدیریتی و فراهم شدن فضای امن برای تحصیل دختران حتی مذهبی ترین خانواده ها در دانشگاه ها را پس از انقلاب یاد آور شد و گفت: «اگر امروز در عرصه های مختلف امکان بروز و ظهور استعدادها فراهم شود، زنان جامعه با رشد، دانش و بینش خود می توانند مسائل و مشکلات خود را در جامعه حل کنند (اطلاعات بین المللی، سه شنبه، ۱۳ مهر ماه).

خانمی، با انگشت گذاشتن بر روی مشکلات عظیمی که زنان میهن ما با آن روبه رو هستند، به این موضوع نیز اشاره غیر مستقیم می کند که اندیشه های ارتجاعی و واپس گرایانه عملاً سدی در برابر تحقق حضور زنان و بروز استعداد های آنان در عرصه های گوناگون بوده است. واقعیت آن است که، زنان جامعه ما سالیان زیادی است تحت شدیدترین ستم ها، چه در عرصه خانوادگی و چه در عرصه اجتماعی قرار داشته اند. بحث ما در اینجا اشاره به زمینه های چنین ستمی است.

مبارزات زنان میهن ما برای دستیابی به حقوق پایمال شده شان سابقه بی طولانی دارد. شکل گیری نخستین تشکل های زنان و مبارزه بر ضد دیدگاه ارتجاعی و زن ستیزانه که معتقد بود زنان تنها می بایست به امر خانه داری و بچه داری مشغول باشند و حتی از خانه نیز بیرون نیایند به اول قرن حاضر بر می گردد. نخستین تشکل های زنان به همت زنان مرفقی و پیشرو در اول دهه ۱۳۲۰ در میهن ما شکل گرفت و توانست با حمایت نیروهای مرفقی و آزادی خواه جامعه، خصوصاً حزب توده ایران نقش مؤثری در تحولات سیاسی کشور ایفاء کند. مبارزه برای گرفتن حق رأی و حق انتخاب شدن در نهادهای تصمیم گیرنده از نخستین عرصه های مهمی بود که زنان توانستند پس از مبارزات طولانی آنها به رژیم های مرتجع و استبدادی حاکم تحمیل کنند. زنان میهن ما یکی از مهم ترین نیروهای شرکت کننده در انقلاب بهمن ۱۳۵۷ بودند. هیچ اعتراض، راه پیمایی و تظاهراتی نبود که زنان در صف اول آن بر ضد رژیم ستم شاهی حضور نداشته و با فداکاری های بسیار سهم عمده ای در به پیروزی رساندن انقلاب ایفاء کردند. زنان همچون میلیون ها ایرانی دیگر امیدوار بودند که با پیروزی انقلاب، آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی در میهن ما تحقق یابد. ولی خیلی زود رویای تحقق این آرمان های مردمی به کابوس استقرار رژیم ارتجاعی و مردم ستیز «ولایت فقیه» تبدیل شد و زنان میهن در صف نخست یورش نیروهای واپس گرا و ارتجاعی قرار گرفتند. شعار «پاروسری یا توسری» در همان اوایل انقلاب و سپس تصویب قوانین عمیقاً ارتجاعی همچون قصاص، و قوانین دیگری که به تدریج در مجموعه قوانین جزایی و مدنی کشور گنجانده شده در مجموع اوضاع بسیار ناهنجاری را برای زنان میهن ما فراهم آورد. نتیجه آنکه در جامعه امروزی ایران، مجموعه قوانین و مقرراتی وجود دارد که، زنان میهن مان را، نه بر اساس استعدادهای و خلاقیت های آنها، بلکه فقط به صرف این که آنها از جنس متفاوتی هستند، موجوداتی درجه چندم قلمداد می کند و مشکلات و مصائب بی شماری را برای تمامی مردم، حتی مردان نیز به وجود آورده است.

به عنوان نمونه بر اساس قوانین فعلی در جمهوری اسلامی سن کفبری برای زنان ۹ سال و برای مردان ۱۵ سال محسوب می شود. بر اساس این قوانین، مثلاً اگر دختری ۸ ساله دزدی کند کمی از ناخنش را خراش می دهند و اگر دختر ۱۰ ساله دزدی کند، دستش را باید قطع کرد. اما اگر پسر ۱۳ ساله دزدی کند ناخنش را خراش می دهند و دستش قطع نمی شود

بر اساس چنین قوانین قرون وسطایی، تعیین سن بلوغ نه بر اساس معیارهای شناخته شده بین المللی، بلکه بر اساس جنسیت مورد ارزیابی قرار می گیرد. باز بر اساس چنین قوانینی، هرگونه عمل خلافی مانند زنا، دزدی، قتل، و جز اینها، از طرف دختران خردسال ۹ ساله به بالا مجازاتی را دارد که در مورد بزرگ سالان اجرا می شود. این مجموعه قوانین «تنبیهی» و یا بهتر بگوییم زن ستیزانه در حالی در مورد زنان اجرا می شود که در دیگر موارد، وقتی مربوط به حقوق فردی و اجتماعی آنها می شود، کاملاً جنبه بر عکس به خود می گیرد. مثلاً بر اساس قوانین موجود زنان بدون اجازه همسران خود، حق مسافرت را ندارند. زنان بدون موافقت شوهر خود حق طلاق ندارند. زنان در صورت طلاق حق نگهداری فرزندان خود را ندارند. زنان حق برابر در موارد مربوط به ارث را ندارند. زنان حق قضاوت در رژیم ولایت فقیه را ندارند. زنان حق شهادت برابر با مردان را ندارند. زنان در موارد مربوط به قتل، نصف مردان به حساب آیند. در رژیم زن ستیز ولایت فقیه حتی حق انتخاب آزادانه پوشش برای زنان هم از آنان سلب گردیده است.

با توجه به این زمینه های عینی است که امروز می توان دریافت چرا زنان میهن ما از دست یابی به حقوق محروم شده اند و چرا اجازه نمی یابند در عرصه های گوناگون استعدادهای خود را بروز دهند. و باز از همین رو است که امروز زنان یکی رادیکال ترین و مبارزترین بخش های جامعه ما را بر ضد رژیم «ولایت فقیه» تشکیل می دهند. حرکت عظیم زنان در جنبش دوم خرداد و پاسخ قطعی آنان به نماینده «ولی فقیه» که می خواست بیش از پیش «جامعه را اسلامی» کند و حکومتی از نوع طالبان را در ایران استقرار دهد، نمونه جالب و درخشانی از مبارزات زنان میهن ما بر ضد استبداد حاکم است. زنان میهن ما در انتخابات دوم خرداد نقش عمده ای در پیروز شدن آقای خاتمی داشتند و امروز انتظار دارند که قول های داده شده درباره جامعه مدنی و خصوصاً به رسمیت شناخته شدن حقوق آنان به مرحله اجراء گذاشته شود. تجربه دوسال گذشته نشان داده است که رژیم «ولایت فقیه»، و مدافعان «ذوب در ولایت» نه تنها اجازه نخواهند داد چنین قول هایی تحقق یابد بلکه مصمم اند با تمام توان و با اتکاء به همه اهرم های قانونی که در اختیار دارند جلوی هرگونه تحولی در این زمینه را سد کنند. تصویب لوایح ارتجاعی همچون منع «استفاده تصویری» از زنان در مطبوعات و سپس لایحه ارتجاعی و ضد انسانی «جدا سازی خدمات درمانی» بر اساس جنسیت، که با اعتراض عظیم جامعه، از پزشکان تا نیروهای ملی و مرفقی و برخی هواداران آقای خاتمی نیز روبه رو شد، نشانه های روشنی از این ترفندها و حرکت های ارتجاع در مبارزه بر ضد حقوق زنان میهن ماست.

حزب توده ایران، بارها در برنامه های پیشنهادی خود و طی سلسله مقالات متعدد و اعلامیه ها، متذکر شده است که رژیم «ولایت فقیه»، سد اساسی هرگونه تحول جدی به نفع حقوق مردم است. توده های رنج و زحمت، زنان آزاده، دانشجویان مبارز و دیگر قشرهای زحمت کش جامعه بلا زده ما نیز بر اساس تجربه مبارزاتی خود طی سال های حکومت مرتجعان «ذوب در ولایت» به خوبی دشمن اصلی و علت اصلی تمام این مصائب را شناخته اند. همین تجربه نیز نشان می دهد که تنها با مبارزه وسیع و متحد است که می توان مرتجعان حاکم را وادار به عقب نشینی و تن دادن به خواست توده ها کرد. حرکت برای ایجاد تشکل های صنفی زنان، و گسترش سازمان دهی در صفوف زنان از نخستین وظایفی است که باید با سازمان دهی و جدیت پی گرفته شود. تحقق حقوق زنان، بخش جدا ناپذیری از مبارزه برای تحقق آزادی، عدالت اجتماعی و جامعه مدنی در ایران است. همه نیروهای ملی و مرفقی و از جمله حزب توده ایران، در کنار زنان مبارز میهن، خود را بخشی از مبارزه برای تحقق این حقوق می دانند و تمام توان و امکانات خود را در این راه به کار خواهند گرفت.

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

اتاق بازرگانی، دولت، امنیت سرمایه خارجی

وی همچنین متذکر گردید: «در قانون جذب سرمایه گذاری خارجی بخش خصوصی، هیچگونه محدودیتی برای سرمایه گذاری ندارد و سرمایه گذاران خارجی می توانند تا ۹۹ درصد سهام بنگاه های اقتصادی را در اختیار بگیرند. یکی از مشکلات سرمایه گذاران که، به تازگی از سوی بدنه اجرایی کشور ایجاد شده، روش پرداخت مالیات بر درآمد و حقوق خارجیان به دولت است. اتاق بازرگانی در این زمینه قصد دارد، از طریق قانون مشکل را بر طرف کند، تا به این ترتیب سرمایه گذاران خارجی اطمینان یابند که می توانند منافع واقعی خودشان را در ایران حفظ کنند!»

معنای سخنان خاموشی، البته بسیار روشن است! انحصارات فراملی و به طور کلی سرمایه های خارجی، علاوه بر مالکیت ۹۹ درصد سهام بنگاه ها و مؤسسات، و انواع معافیت های مالیاتی ۱ تا ۱۲ ساله و جز اینها، به زودی با ابتکار گردانندگان مرتجع اتاق بازرگانی، در زمینه مالیات بر درآمد و نحوه حقوق و مزایا، از هر گونه قید و بند قانونی رها خواهند شد، و هر گونه که مایل باشند، در سایه رژیم ولایت فقیه به فعالیت در کشور خواهند پرداخت. آن چه بی ارزش و فاقد اعتبار است، منافع ملی، امکانات تولید ملی و سرمایه های داخلی است. تامین امنیت سرمایه های خارجی و اطمینان دادن صد در صد به آنها، در فرهنگ رژیم، به ویژه بخش انگلی و واپس مانده آن، که سران و گردانندگان اتاق بازرگانی از نمایندگان شاخص و قدرت مند آن محسوب می شوند، چیزی جز تبدیل ایران و ساختار اقتصادی کشور به زائده فاقد هویت سرمایه بین المللی نیست.

چنین برنامه هایی، به هیچ رو ساخته و پرداخته «نبوغ درخشان» سران اتاق بازرگانی نیست. اینان مجریان گوش بفرمان نهادهای قدرت مند سرمایه داری جهانی اند و همان برنامه هایی را تبلیغ کرده و تدارک می بینند که قبلا به دستور صندوق بین المللی پول در آسیای جنوب شرقی، آمریکای مرکزی و آمریکای لاتین، تجربه شده و کاملاً با شکست مواجه گردیده است. امروزه در این کشورها، نه از اشتغال و تولید و شکوفایی خبری است و نه از رفاه و عدالت اجتماعی! بر پایه چنین نسخه های مخربی، اکثریت مطلق جامعه و در راس آنها زحمتکشان، به ورطه فقر و نابودی در می غلتند و اقلیتی کوچک از طبقات ثروتمند، که منافع آنها با حضور سرمایه خارجی پیوند خورده به «ثروت، قدرت و سعادت» دست می یابند. هدف اتاق بازرگانی پدید آوردن این وضعیت در مین ماست.

اما مسئله به همین جا ختم نمی شود، رئیس اتاق بازرگانی در سخنان خود، حقایق دیگری را در این باره بازگو می کند که بسیار شنیدنی و خواندنی است

خاموشی یاد آور می شود: «سیاست اتاق بازرگانی در مذاکره با طرف های خارجی جهت گسترش روابط بر اساس همکاری های اقتصادی استوار است، نه روابط ساده اقتصادی. در حال حاضر برای تامین منابع مالی سرمایه گذاری جهت تولید و صادرات کالا، ضرورت دارد، ارز حاصل از صادرات این گونه کالاها جایگزین درآمد نفتی شود و این امر نیاز به بهره گیری از فن آوری جدید دارد. ایران برای حضور در بازارهای جهانی علاوه بر مقررات کشورهای خریدار با رقابت سخت و استاندارد کالاها مواجه است. بنابراین کالاهای تولیدی در کشور می توانند با همکاری اتریش و سایر کشورهای اروپایی و تحت پروانه بهره برداری (لیسانس) آنها صادر گردد.»

آن چه رئیس اتاق بازرگانی و صنایع جمهوری اسلامی عنوان می کند، در واقع بیان سیاست مشخص رژیم در مذاکره با طرف های خارجی است. این شیوه، حتی بدتر و بی ثمرتر و پوشالی تر از صنعت مونتاز دوران رژیم سلطنتی است.

طی چند ماه گذشته، مطبوعات مجاز در جمهوری اسلامی، اخبار و گزارشات متعددی را از سفر هیئت های بلند پایه اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا به ایران، انتشار داده اند. خبرگزاری جمهوری اسلامی و صدا و سیما نیز، به نوبه خود، با آب و تاب فراوان، ضمن انعکاس این دیدارها، آن را نشانه «اقتدار» و «توان مندی» رژیم معرفی می کنند. در میان ارگان ها و نهادهای رژیم، که در دیدار با هیئت های اقتصادی اروپایی بسیار فعال بودند، می توان از اتاق بازرگانی و صنایع معادن بیش از همه نام برد. مسئولان اتاق بازرگانی در مذاکره با طرف های اروپایی، همه امکانات و مساعی خود را برای جلب رضایت آنها به کار بردند. از جمله دیدارهای پراهمیت، سفر رئیس جمهوری اتریش و هیئت بلند پایه اقتصادی همراه او بود، که ۹۰ شرکت و بانک بزرگ اتریشی را در بر می گرفت. قبل از سفر هیئت اتریشی، در تاریخ ۲۵ شهریور ماه، هیئتی متشکل از ۲۰ شرکت از انگلستان برای دیداری یک هفته ای عازم تهران شده بود.

سفر هیئت اقتصادی انگلیس توسط انجمن خاورمیانه برنامه ریزی شده بود که، مؤسسن و فعالان آن را افرادی تشکیل می دهند که سالیان متمادی سفیر یا مامور سیاسی و یا بازرگانان انگلستان در خاورمیانه بوده اند. علاوه بر دو هیئت مذکور، آلمان نیز گروه بزرگی از مسئولان اقتصادی خود را روانه ایران کرد. روز ۳۰ شهریور ماه، هیئت آلمانی شامل ۱۵ مؤسسه و شرکت صنعتی، تجاری و خدماتی از جمله شرکت غول پیکر زیمنس، کشتی سازی ایالت نیدرزاکسن و مؤسسه «توی»، به منظور مطالعه در وضعیت سرمایه گذاری و فعالیت بخش خصوصی وارد ایران شد.

فرانسیویان نیز از غافله عقب نیفتادند. یک هیئت بلند پایه اقتصادی فرانسه در اواسط شهریور ماه وارد ایران شد و مذاکرات مفصلی را با مقامات ایرانی پیرامون گسترش فعالیت بخش خصوصی فرانسه در ایران و چگونگی تامین امنیت سرمایه انجام داد!

همراه و هم زمان با سفر هیئت های فرانسوی، انگلیسی، آلمانی و اتریشی، بانک های ایتالیا، اعطای وام اعتباری یک میلیارد دلاری به جمهوری اسلامی را تصویب و تضمین کردند.

گرچه سفر هیئت های اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به ویژه سفر رئیس جمهوری اتریش و همراهان، در رسانه های همگانی بازتاب گسترده یافت، اما به همان نسبت از محتوی و مضمون مذاکرات، اهداف و برنامه های این هیئت ها و توافقات انجام گرفته و نیز سیاست مشخص رژیم پیرامون درخواست های هیئت های مذکور، کمتر خبر و گزارشی انتشار یافت. روزنامه ها و نشریات جناح رسالت - حجتیه، یعنی مطبوعات هوادار «دوب در ولایت» تمعدا و با حساب گری صرفاً به انعکاس این دیدارها و جنبه تشریفاتی آن پرداختند، و از درج حقایق خود داری ورزیدند. اما همان بخش کوچک اخبار منتشره در ارتباط با محتوای مذاکرات و درخواست های اروپاییان، بیانگر حقایق تلخ و هولناکی است که، نه تنها «اقتدار» و «توان مندی» رژیم را نشان نمی دهد، بلکه گویای ضعف و درماندگی بوده و ماهیت ضد ملی سیاست های سران جمهوری اسلامی را آشکار می سازد.

بر خلاف تبلیغات پر سر و صدا و بی پشتوانه جمهوری اسلامی، هیئت های اقتصادی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، در مذاکره با مقامات رژیم، از موضع قدرت و با تحکم که نشانه اشتباهی سیری ناپذیر آنهاست، برخورد کردند. آن که اقتدار داشت نه رژیم ولایت فقیه که طرف مقابل بود! برای پی بردن به واقعیت مطلب، سخنان علی نقی خاموشی، مهره سرشناس ارتجاع و رئیس اتاق بازرگانی در باره محتوی مذاکرات حائز اهمیت فراوان است.

رئیس اتاق بازرگانی، در سخنانی که بخش هایی از آن در روزنامه اطلاعات، به تاریخ ۲ مهرماه ۱۳۷۸، به چاپ رسید، از جمله خاطر نشان ساخته است: «به منظور سرمایه گذاری خارجی، دولت ایران، تمام سرمایه گذاری های خارجیان در ایران را بیمه کرده است و آنها می توانند هر زمان که بخواهند سرمایه و سود حاصل از آن را از کشور خارج کنند.»

تدابیر تازه یا روش های کهنه

رژیم ولایت فقیه، در مهرماه امسال، هم زمان با بازگشایی دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، تحت عنوان هفته نیروهای انتظامی، برنامه هایی را به مورد اجرا گذارده که نام «تدابیر تازه» بر آن نهاده است!

یاسدار، محسن انصاری، فرمانده نیروی انتظامی تهران بزرگ، طی گفتگویی با خبرنگاران، در این باره گفت: «از مهرماه امسال با راه اندازی گشت های ویژه، بر خورد با عاملان جرایم مشهود نظیر مزاحمت های خیابانی، سرقت و مواد مخدر شدت می یابد. تعداد این گشت ها در مرحله نخست ۱۰۰ واحد خواهد بود که، در مرحله بعدی به ۲۰۰ واحد افزایش پیدا خواهد کرد. این گشت ها مجهز به رایانه (کامپیوتر) های کوچک هستند. علاوه بر اینها گروهی از نیروهای موتور سوار و نیروهای پیاده نیروی انتظامی نیز با گشت زنی در سطح شهر با عاملان جرایم مشهود برخورد می کنند.»

اتخاذ چنین تدابیری، و برپایی گشت های ویژه، موتور سوار و پیاده، آن هم در مهرماه را چگونه باید ارزیابی کرد؟ بی تردید اعلام رسمی و گسترده تشکیل گشت های ویژه، آن هم مجهز به رایانه های دستی در سراسر تهران بزرگ فقط به دلیل برگزاری به اصطلاح هفته نیروهای انتظامی نمی تواند باشد. آنچه تحت عنوان برخورد با جرائم مشهود بازگو می گردد، ظاهر قضیه است. تشکیل گشت های ویژه و تبلیغ وسیع در باره آن، بی ارتباط با هراس رژیم از جنبش مردمی و اوج گیری دوباره مبارزات جوانان و دانشجویان نیست.

فرمانده نیروی انتظامی، به ویژه سرکرده آن، یاسدار لطفیان، از زمره آن افرادی اند که در قتل و غارت کوی دانشگاه مسئول مستقیم بوده، و از این رو، مورد نفرت عمیق همگانی اند. چنین تبلیغاتی، در عین حال، برای روحیه بخشیدن به وضعیت متزلزل فرماندهی این نیروها نیز صورت می گیرد. به طور کلی، تبلیغ و بزرگ نمایی نیروی انتظامی بخشی از سیاست کلی رژیم بوده و آماده باشی برای سرکوب و مهار جنبش مردمی است. به این ترتیب نیروی انتظامی با تشکیل گشت های ویژه در مهرماه، کنترل پلیسی وسیعی را در شهر اعمال می کند. این واقعیت زمانی آشکارتر می شود که، سلسله اقدامات دیگر رژیم، نظیر برپایی همایش بررسی بحران تیرماه در وزارت اطلاعات که در اواخر شهریور ماه برگزار شد، و نیز تشکیل مجمع سراسری فرماندهان سپاه پاسداران را به آن بیفزاییم. به گزارش روزنامه اطلاعات در اواخر شهریور ماه، همایش یک روزه بی در سطح عالی در وزارت اطلاعات تحت نام «بررسی امنیتی بحران تیرماه» برپا شد. در این همایش وزیر اطلاعات، دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس سازمان صدا و سیما، معاونین امنیتی وزارت کشور و مسئولین وزارت خارجه شرکت کرده و به بحث و بررسی خیزش تیرماه دانشجویان از نقطه نظر امنیتی پرداختند. همچنین روزنامه کیهان، در تاریخ ۲۵ شهریور ماه، گزارش داد که، مجمع سراسری فرماندهان سپاه با حضور فرماندهان سپاه و بسیج، وزیر اطلاعات، رئیس جمهوری و نماینده ولی فقیه در سپاه برگزار شد.

در این جلسه، صفوی، فرمانده سپاه پاسداران، از جمله با خط و نشان کشیدن برای دگر اندیشان، عزم جزم پاسداران را برای سرکوب و مقابله با مردم بیان داشت، وی یاد آور شد: «سپاه برای دفاع از انقلاب اسلامی و حراست از دست آوردهای مقدس آن به وجود آمده ... هر تهدیدی که اساس انقلاب اسلامی را در معرض خطر قرار دهد، سپاه پاسداران در مقابل آن با قدرت خواهد ایستاد. هدف استکبار ایجاد بحران های داخلی، بزرگ نمایی مسائل سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور است... پاسداران از هیچ کوششی در جهت پاسداری از نظام فرو گذار نمی کنند.» در همین جلسه، یونسی، وزیر اطلاعات، با ستایش از سپاه و بسیج نقش آنان در دفاع از «نظام» را انکار ناپذیر نامید. با در کنار هم قرار دادن این اقدامات که همگی به اصطلاح تدابیر تازه نامیده شده اند، این نتیجه منطقی به دست می آید که، رژیم ولایت فقیه از هر باره خود را در برابر جنبش مردمی آماده ترمی سازد.

تقویت روحیه ضعیف ارگان های امنیتی مانند سپاه و وزارت اطلاعات و بزرگ نمایی نیروی انتظامی فقط و فقط در جهت ایجاد هراس در جامعه و مهیا ساختن زمینه سرکوب است. به ویژه اقدامات نیروی انتظامی در وحشت آفرینی و اعمال کنترل وسیع در سطح تهران بزرگ، نشانه آماده باش برای مقابله با مبارزات آزادی خواهانه مردم میهن ماست. این اقدامات روش های کهنه و ناکارآمدی اند که رژیم آن را «تازه» جلوه می دهد.

ادامه اتاق بازرگانی، دولت و ...

چگونه و تحت کدام شرایط و با چه موازینی، قرار است تولیدات ایران با پروانه بهره برداری اتحادیه اروپا صادر شود؟

این که ایران محصولات و تولیدات خود را با پروانه بهره برداری برخی کشورهای اروپایی می تواند صادر کند، دروغی شرم آور و عوام فریبانه بیش نیست! ایران در صورتی می تواند به چنین اقدامی دست بزند که، اولاً تشخیص محصول تولید شده برای صدور با طرف خارجی باشد، و ثانیاً این طرف خارجی است که، بنا به تشخیص، و منافع آن محصولی تولید و صادر خواهد کرد. صد البته درک این مسئله که در این گونه روابط منافع کدام یک از دو طرف تامین می شود، دشوار نیست. اصولاً در عصر حاضر، در دوران برقراری نظم نوین جهانی، در چارچوب چنین قراردادهایی، کشورهای واپس نگاه داشته شده قادر به شکوفایی اقتصادی و رشد تولید ملی نخواهند شد. در این گونه روابط، که اکنون اتاق بازرگانی در میهن ما معرکه گردان آن شده است، تولید ملی، نیازهای داخلی و منافع استراتژیک، همه و همه، تابع تشخیص و دستور به اصطلاح صاحبان پروانه بهره برداری می شود و هیچ زیر ساخت قابل قبول و مستحکم اقتصادی و تولیدی در خدمت منافع ملی شکل نمی گیرد. در عصر جهانی شدن، کشور ما، به دنبال رو بی هویت و زائده تولیدی سرمایه داری جهانی بدل شده، و مقام و موقعیت ملی، منطقه ای و جهانی خود را از دست می دهد. شکاف طبقاتی ژرفش یافته، و فقر و فساد گسترده تر خواهد شد. از این رو، این سیاست عمیقاً ضد ملی بوده و در تقابل با منافع و حقوق مردم میهن ما قرار دارد.

نکته پراهمیت اینجاست که، دولت خاتمی نیز بررغم تبلیغات و وعده های خود در عرصه اقتصادی در همین راه قدم بر می دارد، ناگفته پیداست که، توسعه سیاسی بدون برقراری عدالت اجتماعی، شکوفایی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی امکان پذیر نخواهد بود. با چنین برنامه هایی، توسعه سیاسی و قانون گرای فاقده اعتبار و پشتوانه لازم خواهند بود. این نقطه ضعفی است که، دشمنان آزادی و پیشرفت ایران، یعنی مدافعان ذوب در ولایت به خوبی از آن آگاه اند.

حزب توده ایران، بارها تاکید کرده است که، مخالف همکاری های اقتصادی برابر حقوق و متقابلاً سودمند با جهان خارج نیست. برقراری روابطی اصولی و در خدمت شکوفایی اقتصادی با همه کشورها، امری انکار ناپذیر است. آن چه مهم و کلیدی است، عملکرد و چارچوب این روابط و پیوندهای اقتصادی است. تامین منافع ملی ایران، تضمین حقوق حقه مردم، به ویژه کارگران و زحمتکشان میهن، حمایت از تولیدات ملی و رشد دادن آن، منطبق با نیازمندی های داخلی، در سمت شکوفایی، و اعتبار بخشیدن به موقعیت کشور در عرصه بین المللی، از جمله موازینی اند که می باید در همکاری های اقتصادی با همه کشورها در مرکز توجه قرار گیرد. چارچوبی که رژیم ولایت فقیه در آن به مذاکره، و سپس به توافق با طرف های خارجی می پردازد، خلاف منافع ملی و حقوق مردم بوده، و ناشی از درماندگی رژیم است. چنین توافق هایی تنها و تنها به سود سرمایه داری غارت گر به ویژه لایه های انگلی آن است!

ادامه خطر «راست روی» و «چپ روی»

نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور قرار داشت. با درهم فرو ریختن این ائتلاف، درست پیش از برگزاری انتخابات مجلس پنجم، و سپس حرکت تاریخی انبوه توده ها در دوم خرداد ۱۳۷۶، فضای سیاسی کشور دچار دگرگونی های جدی شد. نکته اساسی در این تحولات حضور وسیع و یکپارچه مردم در مخالفت با سیاست «هرچه بیشتر اسلامی کردن جامعه» و «ذوب در ولایت» و در دفاع از آزادی، عدالت اجتماعی و خواست استقرار جامعه مدنی بود. اگرچه در سال های پیش از این نیز ما در میهن مان شاهد مبارزات پراکنده و خود جوش توده ای بر ضد استبداد و ارتجاع حاکم بودیم ولی هیچگاه در سال های پس از انقلاب چنین حرکت مشترک توده ای که در آن کارگران، زحمتکشان، زنان و جوانان در صفتی واحد در مقابل استبداد حاکم قرار گیرند سابقه نداشت و از این رو ما حرکت دوم خرداد را نقطه عطفی در مبارزه برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ارزیابی کردیم.

در پی این رویداد تاریخی بود که مسأله سازمان دهی این نیروی عظیم اجتماعی و چگونگی تأثیر گذاری بر روند حوادث کشور، و این جنبش، در دستور کار نیروهای سیاسی کشور، از طرفداران آقای خاتمی تا نیروهای اپوزیسیون رژیم «ولایت فقیه» قرار گرفت. بخشی از این نیروها با نفی هرگونه تحول مثبت و قابل تعمقی در جامعه این تحولات را بخشی از توطئه های رژیم برای حفظ خود ارزیابی کردند و ضمن معرفی خاتمی به عنوان «مهره رژیم» هیچگونه بازبینی را در سیاست های خود ضرور ندیدند. برخی از این نیروها آنچنان در برخورد فرقه گرایانه و مخرب خود در تلاش برای تحمیل این نظرات پیش رفتند که حتی منکر شرکت توده های میلیونی در انتخابات دوم خرداد شدند و رأی بیست میلیونی مردم را «دروغ تبلیغاتی رژیم» و «نیروهای استحاله چی» اعلام کردند. در طرف دیگر این طیف از نیروها، که سال هاست شعار «سرنوشتی جمهوری اسلامی» را می دهند، سازمان هایی بودند که ضمن قبول ضمنی برخی تحولات همچنان بر شعارهای گذشته خود با فشاری کردند و هرگونه بازبینی در سیاست های خود را عدول از اصول از پیش اعلام شده خود دانستند.

در طیف مقابل این نوع موضع گیری ها، نیروهایی قرار داشتند که سال ها مبلغ «استحاله» رژیم بودند. این نیروها با روی کار آمدن رفسنجانی او را «منجی» ایران ارزیابی کردند، به دنبال مصالحه با او بودند، برای آنها رفسنجانی در «جناح چپ» رژیم قرار می گرفت و قرار بود در «جبهه واحدی» با نیروهای اپوزیسیون بر ضد ارتجاع مبارزه کند. برخی او را با «نلسون ماندلا» در آفریقای جنوبی مقایسه می کردند و معتقد بودند که او می تواند سیاست «وفاق ملی» در ایران را به اجراء در آورد. از نظر این نیروها انتخابات دوم خرداد فرصت دوباره ای بود تا این سیاست شکست خورده را بار دیگر به اجراء گذارند. به گمان این نیروها وظیفه نیروهای اپوزیسیون در اوضاع کنونی می بایست در دفاع بدون چون و چرا از دولت جدید خلاصه شود و حتی در مواردی که برخی از طرفداران خاتمی (کسانی مانند کدیور، نوری و دیگران)، «چپ روی» و «زیاده طلبی» می کنند با آن برخورد کرد.

در مقابل این دو طیف، حزب توده ایران اکنون بیش از ده سال است که ضمن ارزیابی اوضاع ایران، به این نتیجه رسیده است که باید با استفاده از همه امکانات، مبارزه در درون جامعه را بر ضد «ولایت فقیه» به عنوان نماد اصلی و سد اساسی تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک سازمان دهی کرد. حزب ما خوب می داند و صراحتاً نیز این مسأله را طرح کرده است که پیروزی در چنین مبارزه ای در حله نخست به بسیج توده ای و شرکت مستقیم مردم در مبارزه بستگی دارد. حزب ما همچنین معتقد است که چنین مبارزه ای از مراحل گوناگون و بفرنجی می گذرد و یک حزب انقلابی و مردمی باید این آمادگی را داشته باشد که با توجه به تغییر و تحولات جامعه، جابه جایی نیروها و باز شدن امکانات نوین، تمام تلاش و نیروی خود را به نفع جنبش مردمی به صحنه آورده و جنبش را در جهت استفاده از این امکانات سوق دهد. حزب ما در ارزیابی دوم خرداد

۷۶، ضمن تأکید بر اهمیت این تحول تاریخی این نکته ظریف و دقیق را تأکید کرد که تازه این آغاز کار است و ارتجاع حاکم، ولی فقیه و انصارش، مصمم اند تا با همه نیرو و استفاده از همه امکانات جلو تحقق خواست های مردمی در میهن ما را سد کنند.

تحولات دوساله گذشته صحت این ارزیابی را به دفعات به اثبات رسانده است. به گمان ارتجاع حاکم دوم خرداد یک اشتباه استراتژیک بود که باید آن را فوراً تصحیح کرد و نگذاشت تا «سیل همه چیز» را ببرد. برای ارتجاع حاکم گشوده شدن فضای مطبوعاتی و سیاسی کشور، امکان اظهار نظر مستقیم و مخالفت با سیاست های ارتجاعیون حاکم، خطر جدی بود که برای مقابله با آن ضروری بود نویسندگان و شخصیت های اجتماعی مبارز به قتل برسند، روزنامه های پرخواننده و مخالفی همچون «جامعه»، «نشاط» و «سلام» بسته شوند تا ارتجاع احساس «آرامش» کند. بدیهی است که در چنین اوضاع حاد و بفرنجی یک حزب ملی، مترقی و انقلابی نمی تواند در جریان تحولات بی طرف باشد و تنها به موضع گیری های اندرز گونه مشغول باشد. ما وظیفه خود دانسته و می دانیم که از هرگونه تحول مثبتی به نفع توده ها حمایت کنیم. ما به هنگام برگزاری انتخابات شوراها، آشکارا از این حرکت، از آنجایی که به نفع توده ها بود، حمایت کردیم و مردم را به شرکت وسیع در آن فراخواندیم.

ما در طول دوساله گذشته مرتباً از جنبش مطالباتی توده ها، کارگران و زحمتکشان، جوانان و زنان میهن ما دفاع کرده و می کنیم. ما در مقابل تهاجم نیروهای ارتجاعی به روزنامه ها و نیروهای دگراندیش، از جمله کسانی همچون کدیور، آیت الله منتظری و دیگران ضمن محکوم کردن این حملات، خود را ملزم به دفاع از حقوق دگراندیشان، ولو نیروهای «خودی» دانستیم. ما امروز نیز ضمن محکوم کردن برپایی دادگاه نفتکش عقاید برای عبدالله نوری، به عنوان یکی از نزدیکان خاتمی، این دادگاه را دادگاه محاکمه اندیشه دوم خرداد و خواست آزادی و تحقق جامعه مدنی می دانیم و معتقدیم که باید با تمام توان با این ترفند و توطئه شوم مبارزه کرد. ما در عین حال اعتقاد نداریم که یک حزب مترقی و انقلابی خود را در حد دنباله روی بی چون و چرا از این یا آن شخصیت و یا نیروی سیاسی تنزل دهد. ما در مواقع گوناگون اختلافات نظری خود را با طیف نیروهای دوم خرداد، از جمله در زمینه های سیاست های اقتصادی اعلام کرده و این سیاست ها را نادرست دانسته ایم. ما همچنان به موقع خود از مواضع ناپیگیر این نیروها در مقابله با تهدیدات و تعرض های مرتجعان حاکم، خصوصاً در جریان یورش خونین به جنبش دانشجویی در ۱۸ تیرماه انتقاد کردیم. ولی ما هیچ شکی نداشته و نداریم که مهم ترین عرصه مبارزه مخالفت و پیکار با استبداد و ارتجاع حاکم است و در این راه باید به همه نیروهایی که با هر عقیده و برداشتی در این راه گام بر می دارند، از جمله طرفداران خاتمی و «جبهه دوم خرداد» یاری رسانند. میهن ما گام به گام به مرحله سرنوشت سازی در تعیین آینده خود نزدیک می شود. پیروزی نیروهای مردمی و معتقد به آزادی اندیشه و عدالت تنها با همکاری و همیاری با یکدیگر ممکن است. بر همین اساس است که در ماه های اخیر در مقالات مختلفی در «نامه مردم» اشاره کردیم که مبارزه به آنجا رسیده است که دیگر مرز بندی نیروها از «خودی و غیر خودی» به مدافعان استبداد و مخالفان آن بدل می شود، یعنی مبارزه به مرحله ای می رسد که زمینه های جدی شکل گیری یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری از همه مخالفان استبداد عنان گسیخته، «گردن زن» و «زبان بر» آماده می شود.

باید با تمام توان در راه اتحاد عمل همه نیروهای آزادی خواه و مردمی تلاش کرد تنها با سازمان دهی توده های حاضر در صحنه زیر یک چتر واحد است که جنبش می تواند به پیروزی برسد. برای تحقق چنین خواستی نمی توان برخورد های اراده گرایانه داشت. کلید کار انعطاف متکی بر اصول، بسط هرچه وسیع تر جبهه مخالفان استبداد و تضعیف جبهه ارتجاع است. بر این اساس است که هرگونه «راست روی» و «چپ روی» در انتها تنها آب به آسیاب دشمنان آزادی ریخته و جنبش را تضعیف خواهد کرد.



تحریکات امپریالیسم یانکی در خلیج فارس

برنامه بازدید ویلیام کوهن، وزیر دفاع ایالات متحده، از کشورهای حوزه خلیج فارس، در هفته آخر مهر ماه را باید تهدیدی جدی از سوی امپریالیسم بر ضد خلق های منطقه دانست. ویلیام کوهن، در ریاض، پایتخت عربستان سعودی، عنوان کرد که، در گفتگوهای خود با رهبران کشورهای عربی منطقه، توسعه ساختارهای بازدارنده منطقه ای در مقابل تهدید از طرف عراق و ایران را مورد مطالعه قرار داده است. او در قطر گفت که: «ما قدم های مشخصی در مسیر ابتکار همکاری های دفاعی و برنامه ریزی نظامی برای ایجاد یک نیروی بازدارنده منطقه ای بر داشته ایم.» برنامه بازدید کوهن از کشورهای منطقه، شامل گفتگوهای او در ۹ کشور و منجمله اسرائیل و مصر بود. کوهن پس از مذاکره با امیر قطر این شیخ نشین را به سوی عربستان ترک گفت.

او در اظهارات خود در قطر مدعی شد که، عراق و ایران به دلیل گسترش تسلیحات و منجمله سلاح های شیمیایی و بیولوژیکی تهدیدی برای منطقه محسوب می شوند. روزنامه عراقی بابل، ضمن محکوم کردن سفر کوهن از کشورهای خلیج فارس نوشت: «آقای کوهن از یک سو کشورهای خلیج فارس را می ترساند و از سوی دیگر به آنها اسلحه می فروشد.» بازدید قبلی کوهن از کشورهای خلیج در کمتر از یکسال قبل، منجر به قراردادهای تسلیحاتی برای کمپانی های تسلیحاتی لاکهید مارتین و بوئینگ، منجمله یک قرارداد ۳/۲ میلیارد دلاری با مصر و یک قرارداد ۱۰ میلیارد دلاری با بحرین شد.

کار شکنی در معاهده منع آزمایش های هسته ای

مجلس سنای آمریکا، در روز ۲۲ مهر ماه، در میان حیرت جهانیان با ۵۱ مخالف در مقابل ۴۸ رای موافق با معاهده منع همه جانبه آزمایش های هسته ای مخالفت کرد. اکثریت جمهوری خواهان مجلس سنا با رای خود عملاً نشان دادند که شعارهای امپریالیسم یانکی مبنی بر جلوگیری از گسترش سلاح های هسته ای بوج و جز پوششی برای طرح های برتری طلبانه آن نیست. تا کنون بیش از ۱۵۰ کشور جهان این معاهده را امضا کرده اند، ولی مادامی که همه ۴۴ کشور صاحب تکنولوژی هسته ای و منجمله ایالات متحده، آن را امضاء نکنند، این معاهده قدرت اجرایی ندارد. ژاپن گفت که، تصمیم سنای ایالات متحده صدمه «غیر قابل

تصوری» به خلع سلاح های اتمی و کوشش برای جلوگیری از بسط سلاح های هسته ای وارد کرده است. بریتانیا و فرانسه، که معاهده را تصویب کرده اند، در اقدامی مشترک با آلمان و قبل از رای گیری در سنا، از ایالات متحده خواستار امضاء آن شده، و اخطار کرده بودند که رد آن شکافی را در ناتو به نمایش خواهد گذارد. جورج رابرتسون، مدیر کل جدید ناتو گفت که او از رد شدن معاهده در سنا «نگران» شده است و مشاور ژاک شیراک، رئیس جمهوری فرانسه گفت، که او «مایوس» است. روسیه اخطار کرد که عمل ایالات متحده بطور فزاینده ای روابط بین المللی را بی ثبات می کند. ولادیمیر رحمانین، سخنگوی وزارت خارجه روسیه، گفت: «این تصمیم ضربه بی جدی به تمامی سیستم موافقت نامه ها در عرصه خلع سلاح و عدم گسترش هسته ای است.»

سخنگوی وزارت خارجه روسیه اضافه کرد: «جدا از قصور در تصویب معاهده، تصویب قانونی در مورد سیستم دفاع ملی ضد موشکی، تهدیدات جدید در مورد تحریم در عرصه صادرات تکنولوژی، و اقدام های متعدد دیگری، که بنیاد روابط بین المللی را بی ثبات می سازند» از سوی ایالات متحده انجام گرفته است. در سال گذشته پس از اینکه پاکستان و هندوستان به آزمایش های هسته ای مبادرت ورزیدند، ایالات متحده، اتحادیه اروپا و ژاپن به دو کشور فشارهای اقتصادی وارد کردند تا معاهده منع آزمایش های هسته ای را امضاء کنند.

بحران سیاسی در اتریش

موقفیت غیر منتظره حزب راست افراطی «آزادی خواهان» در انتخابات پارلمانی اتریش، در مهر ماه، واکنش های زیادی را در این کشور و در خارج آن برانگیخت. حزب سوسیال دموکرات با از دست دادن ۵ درصد آرا در مقایسه با انتخابات پارلمانی قبل در سال ۱۹۹۵، به ۳۳ درصد آرا دست یافت و پس از آن «حزب آزادی خواهان اتریش» با کسب بیش از ۲۷ درصد آرا یعنی ۶ درصد بیش از انتخابات قبل در رده دوم قرار گرفت. حزب دموکرات مسیحی با تنها ۴/۵ رای کمتر، رده سوم را اخذ کرد و سبزه ها نیز با ۲/۵ درصد رشد ۷ درصد آرا را به خود اختصاص دادند.

در اثر نتایج این انتخابات منظره سیاسی اتریش تغییر کیفی پیدا کرده است برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم، حزب دموکرات مسیحی به رده سوم سقوط کرده و حزب سوسیال دموکرات بدترین نتیجه انتخاباتی خود را در سال های پس از جنگ کسب کرده است. از آنجا که حزب دموکرات مسیحی پیش از انتخابات اعلام کرده بود که چنانچه در رده سوم قرار گیرد، از شرکت در حکومت خودداری خواهد کرد، هم اکنون سوسیال دموکرات ها برای تشکیل دولت در تنگنا قرار گرفته اند، زیرا آنان نیز از ائتلاف با «آزادی خواهان» ابا دارند. از این رو امکان تشکیل یک «دولت اقلیت» به هیچ رو منتفی نیست.

در هفته های اخیر، حزب «آزادی خواهان» و رهبر میلیونر و زمیندار بزرگ آن، «یورگ هایدار»، به تکاپو افتاده اند تا در خارج کشور متحدانی برای خود پیدا کنند و واکنش منفی، را که در رسانه های گروهی جهان و از جمله در اسرائیل نسبت به موقفیت آنان ابزار شده، خنثی سازند. در این انتخابات، که شاید بتوان گفت یکی از حساس ترین انتخابات انجام گرفته پس از جنگ جهانی دوم در این هفتمین کشور ثروتمند دنیا می باشد، حزب جمهوری خواهان توانست با فریب افکار عمومی و ارائه راه حل های ساده و عوام فریبانه برای مسایل پیچیده اقتصادی و اجتماعی و دامن زدن به یک کارزار نژاد پرستانه بر ضد مهاجران مقیم اتریش نزدیک به نیمی از آرای کارگران شرکت کننده در انتخابات را تصاحب کند.

شکست «راه سوم» در آلمان

نتیجه انتخابات ایالتی در برلین، در روز ۱۹ مهر ماه، ششمین شکست متوالی حزب سوسیال دموکرات آلمان را، تحت رهبری گرهارد شرودر و سیاست های نولیبرالی «راه سوم» او، در برداشت. آراء مردم آلمان را باید فراندومی بر ضد سیاست جنگ طلبانه دولت شرودر، در حمایت از حمله نظامی ناتو به یوگسلاوی، و سیاست های اقتصادی سخت گیرانه آن که جهت ارضاء شرایط ورود به وحدت مالی اتحادیه اروپا اتخاذ شده، دانست. در انتخابات اخیر در برلین، حزب سوسیال دموکرات ها با کسب ۲۲/۴ درصد بدترین نتیجه سال های بعد از جنگ دوم جهانی را کسب کرد.

محافظه کاران دست راستی دموکرات مسیحی ۴۰/۸ درصد آرا را به دست آوردند. پیروز واقعی انتخابات حزب سوسیالیسم دموکراتیک بود که با

اضافه کردن ۳/۱ درصد آراء، در مقایسه با سال ۱۹۹۴ با ۱۷/۷ درصد آراء در کل برلین دست یافت. در اولین انتخابات پس از سقوط دولت سوسیالیستی در آلمان دموکراتیک در سال ۱۹۹۱، حزب سوسیالیسم دموکراتیک فقط ۹/۲ درصد آراء را به دست آورده بود. در مقایسه، سهم حزب سوسیال دموکرات از ۳۰/۴ درصد آراء در سال ۱۹۹۱ به ۲۲/۴ درصد آراء تنزل یافته است. حزب سبزه های آلمان نیز از بازندگان این انتخابات بود و به دلیل از دست دادن حدود ۳۰ درصد آراء انتخاباتی خود در برلین با بحران عمیقی روبرو است. خشم رای دهندگان از حمایت حزب سبزه ها از جنگ ناتو بر ضد یوگسلاوی، یکی از دلایل اصلی شکست انتخاباتی این حزب است. خانم روستل، یکی از دو رهبر حزب سبزه ها، تصدیق کرد که، اعتبار حزب به دلیل مخالفت اعضا و فعالان با سیاست های رهبری حزب و طرفداری آنان از پایان ائتلاف با سوسیال دموکرات ها و خروج از دولت آسیب جدی دیده است. میزان آراء سبزه ها در تورینگن، ساکسونی و سارلند و براندنبورگ، در مقایسه با دو انتخاب گذشته، بین ۴۰ تا ۷۰ درصد کاهش نشان می دهد.

نتیجه انتخابات در برلین شرقی حاکی از این است که، در مقایسه با ۱۷/۸ درصد آراء سوسیال دموکرات ها حزب سوسیالیسم دموکراتیک ۳۹/۵ درصد آراء را کسب کرد و عملاً حزب برتر در این بخش آلمان است. نتایج چشمگیر انتخاباتی حزب سوسیالیسم دموکراتیک فقط منحصر به برلین نبود بلکه در انتخابات هفته های اخیر در ایالت ساکسونی حزب کمونیست های سابق ۲۲/۲ درصد آراء یعنی حدود ۶ درصد بیشتر از انتخابات ۵ سال قبل، و ۱۲ درصد بیش از انتخابات سال ۱۹۹۰ را به دست آورده اند. در تورینگن حزب سوسیالیسم دموکراتیک که در سال ۱۹۹۰ فقط ۹/۷ درصد آراء را کسب کرده بود امسال حمایت ۲۱/۳ درصد مردم را جلب کرد. در براندنبورگ نیز این حزب حدود ۵ درصد به آراء خود اضافه کرد. تحلیل نتایج انتخابات در ایالت شرقی آلمان، نمایشگر اینست که، با گذشت زمان، زحمتکشان با درک ماهیت واقعی سیاست های سوسیال دموکرات ها از آنان فاصله گرفته و به طور روز افزون به حمایت از سیاست های رادیکال و سوسیالیستی بر می خیزند.

ادامه کودتای دست نشانندگان

پاکستان، رهبر کودتا و فرمانده حکومت نظامی در سخنانی که در روز ۲۳ مهر ماه، در توضیح دلایل خود برای کودتا سعی کرد که وضعیت بحرانی حاکم بر پاکستان و از جمله موج ترور بین قومی را که در ماه های اخیر جریان داشته از عوامل برجسته قلمداد کند. او گفت: «ما به مرحله ای رسیده بودیم که اقتصاد ما در هم شکسته بود، اعتبار ما از بین رفته بود، ساختار های نظامی ویران شده بودند، عدم هماهنگی بین ایالت ها شکاف های جدی در فدراسیون پدید آورده بود، و مردمی که زمانی برادر بودند اکنون پنجه بر گلو ی یکدیگر داشتند... من در شرایطی فوق العاده غیر معمول قدرت را به دست گرفتم... آنهایی که در دولت قبلی بر راس قدرت بودند نابودی آخرین ساختار ثبات پاکستان را که هنوز دست نخورده بود، هدف قرار داده بودند.»

ژنرال مشرف در سخنان خود، ضمن تأیید اینکه او «در تلاش برای نجات پاکستان»، قانون اساسی را زیر پا گذاشته است مدعی شد: «این یک حکومت نظامی نیست، فقط طریقی دیگر به سوی دموکراسی است. نیروهای نظامی هیچ قصد ندارند که طولانی تر از آنچه که مطلقاً برای هموار کردن طریق برای دموکراسی واقعی که در خدمت شکوفایی پاکستان باشد، ضروری است، در قدرت باقی بمانند.» کوشش مشرف برای دموکراتیک جلوه دادن مقاصد خود، و اشاره به وضعیت بحرانی پاکستان در دوران دولت نواز شریف، نمی تواند بر اختلافات دامنه دار میان دولت و نظامیان که در جریان مداخلات نظامی پاکستان در ایالت کشمیر در حمایت از چریک های مسلمان بالا گرفت، پرده بکشد. نخست وزیر برکنار شده پاکستان در کوشش های خود برای احیاء اقتصاد و اعاده ارامش و صلح در کراچی، که در معرض خشونت های قومی چند پاره شده بود، شکست خورده بود. موج اخیر خشونت های قومی و طایفه ای را باید یکی از بهانه های اصلی نظامیان در توجیه کودتای خود دانست. نواز شریف، دولت طالبان را در خشونت های قومی که در شهریور و مهر ماه منجر به کشتار ۳۰ تن مسلمان شیعه شد، مقصر می دانست. او گفته بود که، مسلمانان سنی مذهب طالبان در تعقیب تصفیه حساب های خود با ایران شیعه مذهب، در خاک پاکستان به این جنایات دست زده اند.

بحران اخیر پنبه نیز عاملی عمده در ایجاد موج ناراضی در پاکستان برضد دولت نواز شریف بود. در سال اخیر، قیمت پنبه تصفیه شده شدیداً سقوط کرده و هزاران کشاورز در پنجاب جنوبی در تعقیب خواست خود به دوپرا بر شدن قیمت پنبه، محصولات خود را آتش زدند. ولی مهم ترین عامل در ایجاد شرایطی که تعمیق بحران روابط بین نظامیان و دولت و کودتا را به دنبال داشت شکست مفتضحانه ای بود که ارتش هند به نظامیان در کارگیل در ایالت کشمیر وارد کردند. محافل نظامی پاکستان این شکست را محصول مستقیم عدم کفایت سیاسی نواز شریف دانستند. نظامیان پاکستان که ماجراجویی نظامی خود را شکست خورده و دولت نواز شریف را ناتوان در حمایت از طرح خود برای ادامه تهاجم چریک های مسلمان افراطی در تحت پوشش ارتش یافتند، عملاً دست خود را به عنوان بازیگر اصلی سیاست گذاری پاکستان رو کردند. بهانه نهایی برای اجرای کودتا، برکناری ژنرال پرویز مشرف از سمت ریاست ستاد ارتش بود. نواز شریف، به نوبه خود، برکناری فرمانده نظامی کوئته، پایتخت ایالت بلوچستان، توسط ژنرال مشرف، در هفته قبل از کودتا، را کوششی مستقیم از سوی نظامیان برای زیر علامت شوال بردن اختیارات دولت مرکزی قلمداد کرده بود.

عدم وجود یک موج مخالفت قوی توده ای در مقابل کودتا، نباید باعث سردرگمی در ارزیابی ماهیت کودتا شود. حاکم بودن یک نظام استبدادی در پاکستان، در دهه های اخیر، ضعف ساختار های ترقی خواه و رادیکال در پاکستان، و انحرافات عمیق در سیاست و عملکرد برخی نیروهای اپوزیسیون نظیر حزب مردم پاکستان، از دلایل ضعف جنبش ضد کودتا است. بی نظیر بوتو، نخست وزیر پیشین و رهبر حزب مردم پاکستان که در ابتدا از اقدام نظامیان برضد رقیب خود نواز شریف حمایت کرده بود، در روز ۲۵ مهر ماه، با درک ابعاد واقعی بر نامه کودتاگران، در مصاحبه ای گفت: «هیچ کس در کشور، بخصوص حزب مردم پاکستان، اوضاع را قبول نخواهد کرد، اگر که این مداخله منجر به شروع یک دیکتاتوری و یک دوره حکومت استبدادی شود.» بی نظیر

بوتو اظهار داشت که بی تفاوتی مردم در قبال کودتا محصول بی زاری آنها از دولت نواز شریف است. او گفت که نواز شریف یکی پس از دیگری ساختارهای نظام را نابود کرد: «قدرت او را دیوانه کرد و او به مصاف ارتش رفت.» ولی ارتش قدرت داشت تا «از خود دفاع کند، و این پایان نواز بود.»

با وجود برخی بیانیه های تبلیغاتی در رسانه های غربی در تقبیح کودتای نظامی در پاکستان، نشانه های جدی در دست است که امپریالیسم از اینکه بار دیگر در شرایط بحرانی منطقه، ثبات گورستانی توسط نظامیان هم پیمان و هم قطار ضیاءالحق، همانند اواخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی در پاکستان حکمفرما خواهد شد، راضی است. بلافاصله پس از کودتا، سفارت آمریکا، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی، با رهبران جدید پاکستان مذاکرات اولیه را انجام دادند. رئیس جمهوری پاکستان، که توسط نواز شریف دست چین شده بود و از همدستان او محسوب میشد، بدون اتلاف وقت صف خود را از دولت پیشین جدا کرده و حمایت بی قید و شرط خود را از کودتاچیان اعلام کرد. نیویورک تایمز، در سرمقاله ای تحت عنوان «کودتای خطرناک در پاکستان»، در روز ۲۱ مهر ماه، ضمن اشاره به بی ثباتی دولت پاکستان، و این حقیقت که در گذشته بی نه چندین دور نظامیان تحت رهبری ژنرال اسلام پناه ضیا الحق کنترل نظام را به دست داشته اند، اشاره کرد که «کودتا یکی از مشخصه های منظم تاریخ پاکستان است.» و اینکه حتی در دوران قدرت گیری غیر نظامیان، رهبران ارتش همیشه در زمینه اصلی سیاست حضور داشته و سیاستمداران پاکستان قبول کرده اند که «محدودیت های مشخصی» برای قدرت وجود دارد. نیویورک تایمز، در تأکید بر رابطه نزدیک ایالات متحده با محافل نظامی پاکستان، اشاره کرد: «به دلیل تاریخ پاکستان به مثابه یک «کشور خط مقدم جبهه» برضد شوروی سابق، ایالات متحده روابطی را با ژنرال های پاکستان حفظ کرده است.»

مقامات ایالات متحده، در روز ۲۳ مهر ماه، در پاسخ به اظهار نظرهایی مبتنی بر تحریم حکومت کودتاچیان پاکستان، اظهار داشت که در وضعیت جدید نیاز به «ارتباط بیشتر» با متحد مهم خود در منطقه دارد و نه کمتر. معاون وزارت خارجه آمریکا، کارل اینرفورث، گفت که «پاکستان کشوری است که منافع ملی ما در آن درگیر است.» حزب اسلامی طریق عوامی، و سیاستمدار دست راستی و انگلو فیل پاکستان، عمران خان، به کودتای نظامیان خوش آمد گفتند و مدعی شدند که کودتا کشور را نجات داده است.

بیانیه های ژنرال مشرف نشان دهنده آن است که، او در جستجوی برخی توجیحات است تا تضاد حرکت خود را با قانون اساسی پرده پوشی کند. در چنین اوضاعی و در نبود یک جایگزین دموکراتیک مردمی، که مقاومت مردم و زحمتکشان پاکستان را سازمان دهد و رهبری کند، باید انتظار داشت که امپریالیسم حمایت عملی خود را از نظامیان، که به نوبه خود مجری طرح های پر دامنه امپریالیسم در منطقه و از جمله در افغانستان، هند و ایران خواهند بود، قدم به قدم و با شکیبایی سازمان دهد. سخنان ژنرال مشرف، در روز ۲۴ مهر ماه مستقیماً در جهت اطمینان دادن به حامیان امپریالیستی کودتاچیان در پاکستان طرح شده بود، گفت: «من می خواهم که به حامیان بین المللی اطمینان بدهم که هیچ تغییری در سیاست خارجی ما صورت نخواهد گرفت. ما بالاترین اهمیت را برای روابط دوستانه مان با قدرت های بزرگ و بویژه ایالات متحده قابلیم.» به نوبه خود امپریالیسم نشانه هایی دقیق از تفاهم با کودتاچیان را به نمایش گذارده است.

ادامه در صفحه ۲

کمک های مالی رسیده

ک. صادقی از سوئد به مناسبت ۵۸-مین سالگرد حزب ۲۷۰۰۰۰۰۰
 آهنگر از نروژ، به مناسبت ۵۸-مین سالگرد حزب ۱۰۰۰۰
 به یاد احسان طبری ۵۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

NAMEH MARDOM-NO:569

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm

26 October 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

- ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
 شماره حساب
 کد بانک
 بانک
 IRAN e. V.
 790020580
 10050000
 Berliner Sparkasse



صدا و سیما در خدمت ولایت فقیه

روزنامه «صبح امروز»، طی مقاله‌یی به بررسی عملکرد صدا و سیما جمهوری اسلامی پرداخته و می‌نویسد: «صدا و سیما جمهوری اسلامی از جمله رسانه‌هایی است که به دلیل عملکرد خود طی دهه اخیر، مخاطبان زیادی را از دست داده است. بی‌اعتمادی به رسانه صدا و سیما، در وهله اول در بین نخبگان جامعه، بروز و نمودی آشکار یافته است. عدم تمایل روشنفکران و اندیشمندان در محافل دانشگاهی و پژوهشی برای حضور در صدا و سیما و امتناع آنان از شرکت در میزگردها و برنامه‌ها، از بی‌اعتمادی آنان به مدیریت و سیاست‌های حاکم بر این رسانه‌یی که دیگر ملی نیست، حکایت دارد.»

صبح امروز در ادامه می‌نویسد: «صدا و سیما که در شرایط کنونی به لحاظ فرهنگی، مروج ابتذال، لودگی و مخره‌گی است و در قالب سرگرمی، عوام زدگی را رونق می‌دهد و به لحاظ سیاسی، رسانه‌ی ای جناحی، انحصار طلب و خطی شناخته می‌شود. صدا و سیما بی‌کیفیتی که نه تنها از بودجه دولت ارتزاق می‌کند، بلکه ماهانه از شهروندان نیز میلی را برای هزینه‌های خود دریافت می‌کند، باید تأمین کننده خواسته‌ها و علایق همین شهروندان و نمایندگان آنان باشد تنها در این صورت است که عملکرد این رسانه ملی، مشروعیت پیدا می‌کند.» لازم به تذکر است که مدیر عامل صدا و سیما که، تعیین کننده خطوط اصلی این رسانه در حال حاضر ضد مردمی می‌باشد، مستقیماً و از طرف علی‌خامنه‌ای ولی فقیه رژیم اسلامی انتخاب می‌شود. چندی پیش بررغم مخالفت‌های گسترده مردمی، بار دیگر لاریجانی از طرف ولی فقیه، دوباره در سمت خود ابقاء گردید.

کنی و تفاوت بین ولی فقیه و رئیس جمهور

مهدوی کنی، دبیر کل جامعه روحانیت مبارز در مورد اطلاعیه اخیر جامعه روحانیت که در آن به خاتمی هم حمله شده

ادامه در صفحه بعد

گزیده‌ها

• ایران کشوری است کثیرالمله که در آن ملت‌های گوناگون (فارس‌ها، آذربایجانی‌ها، کردها، بلوچ‌ها، عرب‌ها و ترکمن‌ها) زندگی می‌کنند، و دارای سرزمین، زبان، آداب و آئین و رسوم ویژه خود هستند. افزون بر این، اقلیت‌های مذهبی - ملی در سراسر کشور، به صورت پراکنده، زندگی می‌کنند. رشته‌های گوناگونی خلق‌های گوناگون کشور ما را به هم پیوند می‌زند. آنها طی سده‌های متمادی تاریخ، سرنوشت مشترکی داشته‌اند و دست در دست هم، در ابداع و ایجاد فرهنگ غنی کشور ما با هم همکاری کرده‌اند، و در راه استقلال و آزادی میهن مشترک خویش، دوشادوش هم، فداکاری‌های بی‌شماری کرده‌اند.

• حزب توده ایران طرفدار برابری کامل حقوق کلیه خلق‌های ایران و اقلیت‌های ملی - مذهبی، و خواهان اتحاد داوطلبانه آنها در چارچوب میهن واحد، و برپایه حفظ تمامیت ارضی ایران، است. بر این اساس، حزب توده ایران، طرفدار سرسخت تأمین حق کامل خلق‌های ایران در تعیین سرنوشت خویش، و شناسایی حق اقلیت‌های ملی - مذهبی ساکن ایران (ارمنی، آسوری، زرتشتی، کلیسی، بهایی و جز آن) در برخوردار شدن از کلیه حقوق ملی، اجتماعی و فرهنگی است.»

از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنگره حزب



ضمیمه ۵۶۹، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۱۱ آبان ۱۳۷۸

ارتجاع از انتخابات مجلس ششم چه می‌خواهد؟

سؤال پاسخ داد که این جناح از انتخابات مجلس ششم چه می‌خواهد؟ به نظر ما پاسخ این سؤال روشن است. مدافعان استبداد مطلق مجلسی را می‌خواهند که گوش به فرمان «ولی فقیه» بوده و کارگزار سیاست‌هایی باشد که منافع ضد مردمی و ضد ملی کلان سرمایه داری تجاری ایران را تأمین کند. کارنامه مجلس پنجم و مجلس چهارم آینه تمام‌نمایی از چنین مجلسی است. تصویب قوانین و لوایح ارتجاعی همچون برنامه «تعمیر اقتصادی»، «لایحه اصلاح قانون مطبوعات» به قصد محدود کردن هرچه بیشتر آزادی‌های نسبی مطبوعات، پس از دوم خرداد ۷۶، لایحه ارتجاعی «تعمیرات اسلامی»، لایحه نظارت استصوابی شورای نگهبان بر انتخابات مجلس، به قصد تحمیل انتخابات فرمایشی و از پیش تحمیل شده، لایحه زن ستیزانه جدا سازی خدمات درمانی بر اساس جنسیت، تلاش در ایجاد برخی تغییرات در قانون کار به نفع منافع سرمایه داران بزرگ و به ضرر کارگران و زحمتکشان، لایحه منع استفاده ابزاری از زنان، لایحه ایجاد «بسیج دانشجویی» برای قانونی کردن اعزام مزدوران رژیم به دانشگاه‌های کشور، و ده‌ها لایحه و قانون دیگر از جمله «دست آوردهایی» است که می‌توان در

با نزدیک تر شدن موعد برگزاری انتخابات مجلس ششم، درگیری جناح‌ها و نیروهای سیاسی و اجتماعی نیز تشدید می‌گردد. دادگاه تقی‌تاش عقاید برای عبدالله نوری، که در انتخابات شوراهای شهر بیشترین آراء را در تهران کسب کرد، در کنار مانورهای جناح «ذوب در ولایت» برای خاموش کردن صدای‌های مخالف پیش از برگزاری انتخابات از یک سو و فراخواندن «نیروهای خودی» به وحدت زیر پرچم «ولی فقیه» از سوی دیگر، از جمله تاکتیک‌های انتخاباتی نیروهای ارتجاعی و مدافع استبداد برای انتخابات است. ناطق نوری، رئیس مجلس، و از چهره‌های بانفوذ و سرشناس جناح «ذوب در ولایت»، ضمن هشدار باش پیرامون خطرهایی که «نظام» را از بیرون تهدید می‌کند خواستار جلوگیری از حضور «نیروهای غیر خودی» در انتخابات آینده شد. به گفته ناطق نوری: «نیروهای خودی باید در انتخابات آینده با هوشیاری بیشتری با سایل و حوادث برخورد کنند و ناملایمات و فراز و نشیب‌های سیاسی، نباید مانع از ایفای مسئولیت آنها شود... وحدت حقیقی حول محور ولایت و رهبری امروز برای همه دوستان انقلاب یک تکلیف محسوب می‌شود...» (روزنامه همشهری، سه شنبه ۱۱ آبان ماه ۱۳۷۸).

برای روشن تر کردن برنامه‌های جناح «ولایت» و استبداد در عرصه انتخابات آینده باید نخست به این

ادامه در صفحه ۲

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

ادامه ارتجاع از انتخابات مجلس...؟

کارنامه دوره چهارم و پنجم مجلس که در کنترل جناح «ذوب در ولایت» و نیروهای ائتلافی آن قرار داشته مشاهده کرد. ارتجاع حاکم خواستار ادامه چنین اوضاعی است. برای ارتجاع از دست دادن مجلس خطری بسیار جدی است که می تواند عواقب بسیار سنگینی در پی داشته باشد. نیروهای ارتجاعی خوب می دانند که با توجه به انزجار عمیقی که از آنها در بطن جامعه وجود دارد در صورتی که نامزدهای مستقل و یا طرفدار دوم خرداد در انتخابات شرکت کنند، شانس حضور آنها در مجلس بسیار ضعیف خواهد بود.

سعید حجاریان، معاون سابق وزارت اطلاعات، و مدیر مسئول روزنامه «صبح امروز» که قاعدتاً باید اطلاعات وسیعی از اوضاع نیروهای مختلف سیاسی - اجتماعی ایران داشته باشد، در این زمینه می گوید: «جناح راست یک میزان رای سنتی مشخص دارد و امیدی هم ندارد که بیشتر از آن رای بیاورد و فکر کنم از ۴ میلیون رای در تهران، تنها ۴۰۰ هزار رای نسبت به این جناح وجود داشته باشد اما این جناح تلاش خواهد کرد تا مشارکت مردم در انتخابات کم شود تا درصد آرای آنها بالاتر برود... شمار واقعی جناح راست مشارکت کم تر، مجلس مطمئن تر است هر چند ممکن است در ظاهر از مشارکت مردم نیز سخن بگویند...» (روزنامه خرداد، پنجشنبه، ۶ آبان ماه، ۱۳۷۸).

مبارزه برای تحمیل خواست نیروهای مردمی به ارتجاع حاکم در جریان انتخابات مجلس ششم، یکی از مهم ترین وظایفی است که اکنون پیش روی همه نیروهای مترقی و آزادی خواه قرار دارد.

تجربه انتخابات شوراها نشان داد که حرکت متحد و سازمان یافته مردم می تواند در این زمینه نقش تعیین کننده ای ایفاء کند. در جریان انتخابات شوراها با وجود اینکه هیأت نظارت شماری از نامزدهای تهران و شهرستان ها را رد صلاحیت کرد، از جمله عبدالله نوری را، مردم در انتخابات شرکت کرده و با اکثریت قاطع به نامزدهای رد صلاحیت شده و نامزدهای مستقلی که توانسته بودند از بند مرتجعان هیأت نظارت بجهند، رای دادند. تجربه پیروزی بزرگ مردم در جریان انتخابات شوراها حربه مؤثری است که می تواند در انتخابات مجلس ششم به کار گرفته شود.

برای مردم ما ملاک انتخاب نه تصمیم شورای ارتجاعی و ضد مردمی نگهبان بلکه اراده خود آنان برای انتخاب نمایندگان مورد قبول شان است. باید با تمام توان تلاش کرد تا نیروهای ارتجاعی و مدافع استبداد مطلق را با شکست سنگین دیگری رو به رو ساخت. این امر تنها با همکاری، هوشیاری و اتحاد یک پارچه نیروهای مدافع آزادی و ضد استبداد ممکن است. حزب توده ایران در این راه همه امکانات خود را به کار خواهد گرفت.

بود، گفت: «متأسفانه وضعیتی درست شده که انسان هرگونه سخن بگوید آن را حمل بر مسایل جناحی و انتقام گیری می کنند». مهدوی کنی زیرکانه و در حالی که به ظاهر قصد تصحیح اطلاعاتی را داشت، به دفاع قاطع از ولایت فقیه پرداخت و گفت: «هنگامی که آقای خاتمی در حرم امام خمینی سخنرانی می کردند عده ای از طرف داران ایشان شمار مرگ بر ضد رئیس جمهور را سر دادند اما آقای خاتمی گفت که مرگ بر ضد رئیس جمهور شمار درستی نیست اما شمار مرگ بر ضد ولایت فقیه یک شمار محوری و اصولی است زیرا ولایت فقیه رکن نظام اسلامی ما است و این نباید مورد خدشه و توهین قرار بگیرد. در یک نظام ولایتی، ولایت فقیه رکن پایدار و لایتئیر است ولی شخص رئیس جمهور رکن محسوب نمی شود.» در حالی که طرف داران ذوب در ولایت بخصوص بعد از جنبش دوم خرداد، از هیچ گونه تلاشی برای سرکوب ندای آزادی خواهانه مردم ایران دریغ نکرده اند مهدوی کنی در ادامه افزود: «در فضای سالم سیاسی همه باید تحمل انتقاد و نصیحت داشته باشیم و بتوانیم دیدگاه های انتقادی و ناصحانه خود را طرح کنیم. آقای خاتمی بارها گفته اند که به ما انتقاد کنید و ما در اطلاعاتی جامه روحانیت انتقاد کردیم و گفتیم درست نیست که پس از سخنان آیت الله مصباح یزدی، آقای رئیس جمهور بگویند همه چیز در اسلام و حتی توحید قرائت پذیر است و این باعث می شود مخالفان نظام جرات پیدا کنند که همه چیز را زیر سوال ببرند.» مهدوی کنی در قسمتی دیگر از سخنان خود گفت: «اگر در اختلافات به قانون عمل شود و همه بپذیرند که مرجع نهایی برای حل اختلافات، مقام معظم رهبری است، ریشه بسیاری از اختلاف نظرها بر طرف می شود. اگر می خواهیم تنش زدایی کرده و از مسیر قانون به اختلافات پایان دهیم باید بپذیریم که حرف آخر را مقام رهبری بیان کنند.» معنای سخنان آخر مهدوی کنی را باید، اطاعت بی و چون و چرا از ولایت فقیه تلقی کرد. (نقل قول ها از اطلاعات ۴ آبان).

عبدالله نوری و دیدگاه های موجود در ایران

عبدالله نوری، وزیر سابق کشور دولت خاتمی، رئیس سابق شورای شهر تهران که، به جرم ضدیت بر ضد «نظام» ولایت فقیه، اولین جلسه محاکمه اش در روز شنبه ۸ آبان بر گزار گردید، طی سخنانی در اجتماع دانشجویان که در اطلاعات بین المللی ۶ آبان به چاپ رسیده، با اشاره به محکومیت احتمالی خود در دادگاه ویژه روحانیت اظهار داشت: «ما، روحانیون مسیحی قرون وسطی را به این دلیل که به روشنفکران اجازه سخن گفتن نمی دادند مورد نکوهش قرار می دهیم و از این که اسلام دین آزاد اندیشی و نقادی است به خود می بالیم. آیا این که در یک کشور اسلامی حتی «نقد» غیر قابل تحمل تلقی شود، به ضرر حیثیت نظام، انقلاب و اسلام نیست؟

نوری افزود: «دیدگاهی در ایران ممتد است که طرح مطالبات و پرسش ها تنها در چارچوبی مشروع است که، جاکمیت آن را تمین کرده است و در مقابل دیدگاهی دیگر بر این اعتقاد است که طرح پرسش ها و مطالبات، در چارچوب قوانین و حقوق مدنی، مجاز است و حاکمیت حق ندارد جلوی این پرسش ها و مطالبات را بگیرد. دیدگاهی شهروندان را به درجه یک و دو تقسیم می کند و حقوق کشور را از آن شهروندان درجه یک می داند اما دیدگاهی دیگر بر این اعتقاد است که ایران از آن همه ایرانیان است و ممتد است بر اساس قوانین تمامی حقوق شهروندان باید رعایت شود.»

هیأت های نظارت در انصار جناح ذوب در ولایت

به گزارش روزنامه همشهری، سه شنبه ۱۱ آبان ماه، نظری نیا، نماینده کنگاور، در گفت و گویی با این روزنامه اعلام کرد که اعضای انتخاب شده برای هیأت های نظارت بر انتخابات مجلس ششم، از سوی شورای نگهبان اکثراً به جناح خاصی تعلق دارند. وی در همین سخنان اشاره کرد که گرچه مجلس نظر قبلی خود را پیرامون رسیدگی به شکایات دوطلبان رد صلاحیت شده تأیید کرده و رسیدگی این موضوع را به مجمع تشخیص مصلحت واگذار کرده است، ولی به نظر می رسد که شورای نگهبان قص دارد به نظر خود عمل کند و مصوبه مجمع نقشی در کار نخواهد داشت.

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 569
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

2 November 1999

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام IRAN e. V.
شماره حساب 790020580
کد بانک 10050000
بانک Berliner Sparkasse